

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

سرشناسه: علیزاده، محمدصادق، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور: دوازده صفر سه؛ روزنگاری‌های تشییع سیدحسین نصرالله / نویسنده
محمدصادق علیزاده؛ ویراستار محبوبه قاسمی ایمچه.
مشخصات نشر: تهران؛ شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۲۴۶ ص. مصور.
شابک: ۱-۵۵۷۹-۰۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: علیزاده، محمدصادق، ۱۳۶۴- -- سفرها -- لبنان
موضوع: روزنامه‌نگاران ایرانی -- قرن ۱۵ -- خاطرات Diaries -- Iran -- 21st century -- Journalists
سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۵ Travelers' writings, Iranian -- 21st century
موضوع: لبنان -- سیر و سیاحت Lebanon -- Description and travel
شناسهٔ افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده‌بندی کنگره: DS۸۰/۲
رده‌بندی دیویی: ۹۱۵/۶۹۲۰۴۴
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۰۳۱۹۷۳
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیپا

دوازده صفر سه

روزنگاری‌های تشییع سید حسن نصرالله • محمدصادق علیزاده





دوازده صفر سه

روزنگاری های تشییع سید حسن نصرالله

نویسنده: محمدصادق علیزاده
ویراستار: محبوبه قاسمی ایمنه ● طراح جلد: احسان حسینی
چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه
چاپ اول: ۱۴۰۴ ● شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳-۵۵۷۹-۱

دورمهر/انتشارات تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۹۵۱

دورمهر/انقلاب تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۲۳، تلفن: ۹-۶۶۴۷۶۵۶۸

دورمهر/سمیه تهران، خیابان سمیه، ترسیده به خیابان حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۲-۸۸۹۴۹۷۹۱

دورمهر/اکنون تهران، تقاطع خیابان بهشتی و خالد اسلامبولی (وزرا)، طبقه اول سینما آزادی

دورمهر/هنر تهران، خیابان آزادی، بین خیابان خوش و خیابان آذربایجان، جنب دانشگاه سوره

دورمهر/کوهسنگ مشهد، خیابان کوهسنگی، کوهسنگی ۲۹، مجتمع مهر کوهسنگی، طبقه ۶، تلفن: ۳۸۴۹۹۱۵۶-۵۱

دورمهر/شینا همدان، آرامگاه بوعلی سینا، جنب پردیس سینمایی مهر قدس، تلفن: ۳۲۵۶۱۳-۵۱

دورمهر/ساحل اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل، کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۶-۳۲۲۴۷۷۳۵-۳۱



Sooremehr.ir



Mehrak.ir



@sooremehr_pub



☎ ۶۶۴۶۰۹۹۳ (پنج خط)

☎ ۳۰۰۰۵۳۱۹

✉ ۱۵۹۱۸-۱۷۸۱۱

با ما بخوانید

• نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است •

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	عصر جمعه ده دوازده صفر سه
۱۹	بعد از ظهر چهارشنبه هشت دوازده صفر سه
۳۳	سه شنبه هفت دوازده صفر سه
۵۹	دوشنبه شش دوازده صفر سه
۹۹	یکشنبه پنج دوازده صفر سه
۱۵۷	شنبه چهار دوازده صفر سه
۱۸۷	جمعه سوم دوازده صفر سه
۲۳۵	پنجشنبه دوم دوازده صفر سه



• السلام على انصار دين الله

مقدمه

خیلی با خودم کلنجار رفتم. بارها و بارها در جلسات و مجامع مختلف ادبی با عنوان منتقد دعوت شده و پنبهٔ خیلی از کتاب‌ها را زده بودم. هرچند در همهٔ این جلسات سخن را با این جمله آغاز می‌کردم که من نه نویسنده‌ام نه منتقد. صرفاً روزنامه‌نگار کتاب و فرهنگم. و آنچه بر زبان جاری می‌کنم پراکنده‌اندیشی‌ها و نظرها و خرده‌تأملات یک روزنامه‌نگار است که از قضا حوزهٔ کارش کتاب است و فرهنگ.

حالا همان روزنامه‌نگار افتاده توی کوزه! آنچه در صفحات بعد خواهید خواند نه یک سفرنامهٔ مرسوم است - آن‌چنان که ممکن است نمونه‌های کلاسیکش را پیش از این خوانده باشید - نه خرده‌تأملات فلسفی و سینوی و صدراپی است دربارهٔ وقایعی که در جغرافیای دیگری رخ داده؛ صرفاً واقعیاتی است که یک روزنامه‌نگار دیده و در حین دیدن هم چیزهایی به ذهنش خطور کرده. آقای روزنامه‌نگار نویسندهٔ این سطور هم خواسته مخاطب را شریک کند در فهم و درکی که در این سفر ده روزه به آن جغرافیا داشته و در آیین‌هایی که شرکت کرده. همین! متن هم حتماً بی‌عیب و نقص

نیست و اصولاً فقط پروردگار است که عاری است از نقص. ممکن است مخاطب این سطور بعد از خواندن متن نقدهایی داشته باشد. پس این قلم را از آن‌ها بی‌بهره نگذارید.

متشکرم از سازمان هنری - رسانه‌ای «اوج» که بانی این سفر بود. بانی بودن برای کاری که دوستان در این سازمان کرده‌اند کم است. کل سفر را همراه بودند و دریغ نداشتند در تدارک هر آنچه یک عنصر فرهنگی و رسانه‌ای بدان نیاز دارد تا رویداد عظیم مقاومت را بهتر، هنرمندانه‌تر، جامع‌تر، و دقیق‌تر بازنمایی کند.

همچنین، سپاسگزارم از بهنام توفیقی، از رفقا و نیروهای کاربرد سازمان، که تمام غرغرها و حرف و حدیث‌های این ده روز ما را تحمل کرد و یک‌تنه به واحد آماده‌سازی و پشتیبانی یک لشکر رزمی می‌مانست.

این قلم برای خروجی‌های رسانه‌های زمان تشییع به لبنان اعزام شده بود؛ کاری که همان زمان در قالب چند گزارش مفصل در بعضی رسانه‌های مهم کشور انجام گرفت. با همه این‌ها، شخصاً حیف دیدم دیده‌ها و شنیده‌ها و ادراکاتی که قواره‌شان بزرگ‌تر از گزارش‌های روزانه ژورنالیستی بود برای من یک نفر باقی بماند و لذت کشف و شهودشان را با دیگران شریک نکنم و این سیاهه حاصل همین دغدغه است.

در پایان تشکر می‌کنم از انتشارات محترم سوره مهر که در زمانی کوتاه تن به انتشار این کتاب داد. ایضاً سپاسگزار و دست‌بوس

همسرم، زینب فروزنده، هستم که در همهٔ این سال‌ها همراه و هم‌گام این قلم بوده و رنج همراهی با او را به جان خریده و این سیاهه را هم اگر اجری باشد، حتماً در آن شریک است.

محمدصادق علیزاده

نخستین روزهای فروردین ۱۴۰۴ شمسی

عصر جمعه ده دوازده صفر سه



• تهران، دفتر هفته نامه وقایع اسرائیلیه

«بگذار کنار این کمال گرایی مزخرف را!» این ها را کامیل می گوید که آمده دفتر روزنامه دیدنم. دیروز از راه رسیدم و امروز هم آمده ام دفتر روزنامه برای رتق وفتق کارهای هفته نامه و پیگیری حق التحریرها. پروازهای مستقیم تهران - بیروت همچنان لغو بود. لاجرم، پنجشنبه عصر، از بیروت عازم بغداد شدیم. شب را در بغداد ماندیم و با پرواز صبح اول وقت بغداد - تهران، بعد از یک هفته، برگشتیم؛ یک هفته ای که زمان تقویمی اش برایم هفت روز بود؛ اما چگالی واقعیت هایی که از نزدیک لمس کردم چیزی بیش از این زمان تقویمی بود. حالا، در دفتر کوچک هفته نامه، واقع در طبقه سوم روزنامه فرهیختگان، نشسته ام و کامیل هم جلویم نشسته و دارد سیخ می زند به ور کمال گرایی که همچنان در پی افزایش داده و اطلاعات است و زمان را برای نوشتن زود می داند.

پیش تر در باب کمال گرایی حسابی از خجالتش درآمده بودم. حالا دارد همان درس ها را به خودم پس می دهد. می گویم: «نمی خواهم به بیان آنچه دیدم بسنده کنم و واقعیت را از بطن و بافتی که در آن کشور دیدم بیرون بکشم و مانند رسانه های خبری صرفاً به یک

گزارش عینیت‌گرای کلاسیک بسنده کنم.»

می‌گوییم: «مهم‌تر از آنچه دیدم و می‌خواهم به مخاطب بگویم نسبتی است که این وقایع با بافت سیاسی و اجتماعی و تاریخی و اقتصادی جامعه خود دارند و این نسبت بین واقعیت و بافتار آن جامعه است که رویدادها را معنا دار می‌کند.»

می‌گوییم: «مخاطب ایرانی، به صورت پیش فرض، تصویری از مفاهیمی مانند کشور، مسلمان، جنگ، مباران، رسانه، و پول دارد و، با همین پیش فرض‌ها که آن‌ها را واقعیت مسلم می‌پندارد، به مسئله 'مقاومت' و فعالیتش در لبنان می‌نگرد و تحلیل می‌کند؛ در صورتی که واقعیت ماجرا این نیست و در بزنگاه‌ها هم همین شناخت غیرواقعی است که بنیان درک پیشین را فرومی‌ریزد و او را مبہوت و منفعل می‌سازد.»

می‌گوییم: «همه این‌ها در بافت جامعه لبنان نسبت متفاوتی با بطن و بافتار آن جامعه دارند و نه تنها مخاطب ایرانی، بلکه رسانه ایرانی هم اصلاً حواسش نیست که صرفِ بازتاب رویدادها، ولوتشیع دیرکل حزب الله لبنان، بدون در نظر گرفتن این نسبت با بافت جامعه، تصویری غیرواقعی از واقعیت ارائه می‌کند که هرچند دروغ نیست، با واقعیت هم فاصله دارد؛ کما اینکه آینه محدب و مقعر هم دروغ نمی‌گویند، اما نسبت‌های واقعی را به هم می‌ریزند و چیزی که نشان می‌دهند با واقعیت فاصله دارد. می‌گوییم باید به تشیع سید به مثابه رویدادی برآمده از واقعیت‌های جاری در جامعه و تاریخ و فرهنگ و